



حسن فتاحی

امروز که در حال نوشتن این مقاله هستم، هفته پایانی اسفندماه سال ۱۴۰۱ است. هفته‌های پایانی اسفند همیشه شلوغ است و پر از رفت‌وآمد مردم در خیابان‌ها و بازارها. البته که بازارها رونق بیشین را ندارد و روزگار به‌راستی به‌سختی می‌گذرد؛ اما اسفند ازآنجایی‌که به جشن باستانی و ایرانی نوروز پیوند خورده است، در هر حالی برای مردم ایران، پرشور و سرور بوده است؛ اما هفته دوم اسفندماه اسمال بی‌شک از تلخ‌ترین اسفندهایی بود که

میهن‌مان در چند دهه گذشته به خود دیده است. گاهی اوقات اسفندهایی مانند اسفند بدر و خیبررخ می‌دهد و هزاران جوان ایرانی در خون خود می‌غلطند و گاهی مرگ یک دانشمند داغ سنگینی می‌شود. در هفته دوم سه رویداد دردناک رخ داد. نخست تولیوز دوست‌داشتنی مردم ایران که نامش بیروز بود و برای ایرانی‌ها نمکین و امیدبخش بود، جان باخت. دومین آن مرگ مرد همچون کوه اندیشه ایرانشهری، استاد جواد طباطبایی بود که مانند آذرخشی بر قلب ایران‌دوستان و آنها که ایران را آن‌چنان که شایسته‌اش است، دوست دارند، فرود آمد و سومین آن که برای من بیش از همه دردناک و جانگاہ و غم‌افزا بود، درگذشت اخترفیزیک‌دان نام‌بردار ایرانی، استادتمام رصدخانه یا به قول خودش نپاهشگاه پاریس، محمد حیدری‌ملایری بود. این سه مرگ بسیار تلخ بودند. تولیوزیروز ایران، بیروز، چنان مهرش به دل نشسته بود که گوئی فرزند کل ایران بود. اگرچه این مرگ دردناک بود، همبستگی ایرانیان را در اهمیت زیست‌بوم ایران نشان می‌داد. استاد طباطبایی و استاد حیدری‌ملایری، دوروی یک سکه بودند؛ هریک به نوعی و به شیوه‌ای، نام آن سکه که گران‌بهاست و قیمتی وصف‌ناشدنی دارد، «مهر میهن» است. سیدجواد طباطبایی با تخصص فلسفه و سیاست برای ایران تلاش می‌کرد و حیدری‌ملایری با اخترفیزیک و زبان‌شناسی. درباره جواد طباطبایی، ازآنجایی‌که در جهان سیاست و اندیشه ایرانشهری چهره‌ای شاخص بود، بسیار گفتند و نوشتند؛ اما افسوس‌مندانه درباره استاد حیدری‌ملایری‌که از مفاخر کشورمان بود و طی سالبان دراز آرام و بی‌صدا گام‌های مهمی را برای زبان دانشی فارسی برداشت، آن‌چنان که باید و شاید بادی نشد؛ بنابراین تصمیم گرفتم در صفحه علم روزنامه «شرق» به مناسبت درگذشت این اخترفیزیک‌دان ایران دوست یادنامه‌ای بنویسم. می‌دانم که گرامیداشت ایشان باید فراتر از این نوشته باشد و سزاوار بود نهادهای دانشی کشورمان برای مردی که سال‌های درازی را صرف بالندگی زبان دانشی فارسی کرده، یادبودی بگیرند؛ اما چنین نشد. در هر حال، این نوشته درباره کوشش‌های اخترفیزیک‌دان ایرانی مقیم پاریس، محمد حیدری‌ملایری است. درباره کار سترگ او و چراغی که روشن کرد؛ اما می‌خواهم مانند خود استاد ملایری که جشن نوروز را بسیار گرامی می‌داشت و هر سال، تا پیش از اینکه بیماری مجال ندهد، این رویداد فرخنده را شادباش می‌گفت، من هم از سوی ایشان و هم از سوی صفحه علم روزنامه «شرق» به تمام خوانندگان گرامی شادباش و فرخنده‌باد بگویم. همچنین می‌خواهم درگذشت ایشان را به جامعه دانشی کشورمان، به ویژه اخترشناسان و اخترفیزیک‌دانان تسلیت بگویم. در پایان هم به خانواده محترم شان تسلیت بگویم و تاکید کنم که به فرموده سعیدی‌شیرازی، مرد نگونام نمیرد هرگز. حیدری‌ملایری مرد نگونامی است که نامش ماندست و چراغی که روشن کرده، همواره برای ایران روشن خواهد ماند. امید آن دارم روزی در ایران و در زادگاه ایشان مدرسه‌ای بنا شود که به نام ایشان آراسته شود و هر بامداد دانش‌آموزانی در آن مدرسه باشند که بخواهند اخترفیزیک‌دانان ایران دوست فردای میهن باشند.

**محمد حیدری‌ملایری‌که بود**

پیش از آنکه بخواهم درباره محمد حیدری‌ملایری بگویم که کجا به دنیا آمده و چه کرده و چه بوده، می‌خواهم از زبان یکی از اخترشناسان همکار او کمی درباره‌اش بگویم. اخترفیزیک‌دان برجسته کانادایی، ژان-قنه روا که من و دیگر همکار اخترشناسم، یاسمین تائبوکی، افتخار همکاری و درواقع شاکردی او را داریم، از دوستان حیدری‌ملایری بود. چند سال پیش زمانی که من و یاسمین ترجمه کتاب پرسش یا پاسخ اخترشناسی را که ژان-قنه و کارول کرسنتین نوشته‌اند، آغاز کردیم، ژان از من پرسید برابر فارسی واژگان اخترفیزیک را که خود می‌دانی، از که می‌پرسی؟ من پاسخ دادم که در ایران چندین فیزیک‌دان و اخترشناس فرهنگ انگلیسی-فارسی فیزیک و اخترشناسی دارند. از زنده‌یاد محمود حسابی نام بردم که به نوعی آغازگر این راه بود و از لطیف شاکسیر و عبدالحسن بصیره و موسی اکرمی و چند نفر دیگر نام بردم. همچنین از محمد حیدری‌ملایری نام بردم که کاری سترگ دراین‌باره کرده است. چشم‌شان ژان-قنه از دوست من، محمد؟ محمد؟ محمد حیدری در پاریس را می‌گوئی؟ او از دوستان قدیمی من است. تو او را از کجا می‌شناسی؟ من توضیح دادم که محمد حیدری‌ملایری را چگونه می‌شناسم. چگونه سال‌ها درسگفتارهایش را دنبال می‌کنم و چگونه با رایانامه یا همان ایمیل با استاد ملایری نازنین در تماس هستم. سپس ژان-قنه که بارها در همین روزنامه «شرق» مقاله نوشته است و با او گفت‌وگوی بلندبالایی هم چاپ کردیم، برپیمان از دوستی‌اش با حیدری‌ملایری گفت. او برای ما چنین نقل کرد: من و محمد با هم دوستان صمیمی بودیم. آن زمان هر دو جوان‌تر و سرحال‌تر بودیم. هر دو در شیلی بودیم و در رصدخانه یا به قول استاد ملایری نپاهشگاه، کارهای پژوهشی انجام می‌دادیم. شیلی جای شگفت‌انگیزی است. محمد که چندین سال در شیلی بود؛ از جمله اخترفیزیک‌دان بود که گفت‌وگو با او بسیار شیرین بود و دلنشین. او اهل مطالعه بود و آنچه می‌دانست با دیگران شریک می‌شد. ایران را بسیار دوست داشت و نگران‌ش بود. دلنتگ ایران بود. آنچه او از ایران بریان روایت می‌کرد چنان در دل و جان من نشسته است که حتی در ۸۰سالگی‌ام دوست دارم به ایران دوست‌داشتنی شما سفر کنم. من و یاسمین سال‌ها پیش از اینکه ژان-قنه روا این قدر خوب تاریخ ایران را می‌داند، گفت‌نموده می‌شدیم. برلمان عجیب بود که اخترشناس کانادایی این‌طور پرسوسن یا دقیق، تاریخ ایران باستان را می‌داند. تاریخ صوفیه را می‌داند و بسیاری موارد دیگر، بعدها بود که فهمیدیم رابطه دوستانه او با زنده‌یاد حیدری‌ملایری تا چه حد او را به شناخت سرزمین کهن ما، مشتاق کرده است، و بعد دریافتیم اینکه او این‌چنین به ما کمک می‌کند تا کتاب‌هایش را به فارسی برگردانیم یا اینکه همواره دوست دارد برای ایرانی‌ها مقاله بنویسد، ریشه‌هایش از رابطه دوستانه‌اش با حیدری‌ملایری است. خبر درگذشت استاد ملایری را همان روز که شنیدم به ژان-قنه گفتم. بسیار ناراحت شد؛ اما خیلی زود گفت: حسن، در روزنامه «شرق» درباره محمد بنویس. نسلن جوان ایران باید او را بشناسند. و بعد گفت برای ادامه راه و کار محمد برنامه‌ریزی کن. اجازه دهید زندگی‌نامه کوتاه ایشان را از تارنمای اینترنتی که زیر نظر خود ایشان نوشته می‌شد و نویسنده آن

## زیروزبر رشد اقتصادی ایران

**ادامه از صفحه ۸**

برعکس کشورهایی چون کبره جنوبی، چین، ویتنام، مالزی و ترکیه بوده است. اما رفتار بهره‌وری درون‌بخشی در مقایسه با تغییرات ساختاری در ایران نامنظم‌تر بوده که می‌تواند تائب‌آوری کم و وابستگی به نفت را بیشتر نشان دهد. در سه دوره گذار به انقلاب اسلامی، خودکفایی و دوران فرصت از دست‌رفته که شرایط اقتصادی در کشور با بحران‌های متعددی مواجه بوده، نقش بهره‌وری درون‌بخشی در رشد اقتصادی منفی بوده است. در مقابل، در دوران‌هایی که وضعیت اقتصادی در کشور بهتر بوده (سه دوره توسعه‌گرایی و صنعتی‌شدن، نوسازی و خصوصی‌گرایی و وفور درآمدهای نفتی)، بهره‌وری درون‌بخشی مثبت و فراینده رشد بهره‌وری کل عوامل و به دنبال آن رشد اقتصادی بوده است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، سهم بهره‌وری درون‌بخشی از بهره‌وری کل نسبت به تغییرات ساختاری بیشتر بوده است. اما در کل بهره‌وری کل عوامل تولید هم که عامل بسیار مهمی در توضیح‌دهندگی رشد اقتصادی است، از

# اخترشناس ستارگان و کاوشگر واژگان

**به بهانه درگذشت اخترفیزیک‌دان نام‌بردار، «محمد حیدری‌ملایری» که آسمان و ایران را با جان و دل دوست داشت**



*داشته باشند؛ اما دکتر حیدری‌ملایری ثابت کرد که چنین ستاره‌هایی وجود ندارد و نشان داده است که ستاره‌های پرچرم‌تر از ۱۲۰ برابر جرم خورشید درواقع یک ستاره نیستند، بلکه از گروهی ستاره کم‌چرم‌تر تشکیل شده‌اند که چون بسیار تنگ‌تر ازجرم هم قرار گرفته‌اند، آنها را یک ستاره می‌پنداشته‌اند. این دستاورد پیامدهای مهمی برای شناخت چگونگی به وجود آمدن ستارگان پرچرم داشته است. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات و پژوهش‌های دکتر حیدری‌ملایری بارها توسط اطلاعیه‌های علمی از سوی سازمان فضایی آمریکا ناسا، سازمان فضایی اروپا (ESA)، مرکز پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) و رصدخانه پاریس به آگاهی همگان رسانده شده و در رسانه‌های گوناگون بازتاب جهانی یافته‌اند. دکتر حیدری‌ملایری بارها مشاور علمی سازمان‌های گوناگون پژوهشی اخترشناسی اروپایی و آمریکایی بوده و تاکنون رهبری پایان‌نامه دکترای اخترفیزیک چندین پژوهشگر اروپایی را بر عهده داشته است. دکتر حیدری‌ملایری افزون بر اخترشناسی، به زبان‌شناسی و تاریخ‌نویسی کتابی داشت و به‌ویژه در زبان‌شناسی تطبیقی و ریشه‌شناسی زبان‌های آریایی هند و اروپایی پژوهش بسیار کرده بود. با زبان‌های پهلوی، فارسی باستان، اوستایی، سانسکریت، یونانی و لاتین آشنایی داشت و درباره حدود ۲۰ گویش زبان فارسی مطالعه کرده بود. همچنین سال‌ها درباره رازمان (سیستم) ترم‌شناسی دانشی در زبان پارسی به پژوهش پرداخت. دستاورد این کوشش‌ها، فراهم‌آوردن فرهنگ ریشه‌شناسختی اخترشناسی و اخترفیزیک، به زبان‌های انگلیسی-فرانسه- فارسی است. برخی از مسئولیت‌های دکتر حیدری‌ملایری عبارت‌اند از: مشاور علمی سازمان‌های گوناگون پژوهشی اخترشناسی اروپایی و آمریکایی، محقق گروه اخترشناسان رصدخانه بزرگ اروپا (ESO) در کشور شیلی از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰، معاونت دبیرتمان اخترشناسی رصدخانه اروپایی، رهبری تر دکتری اخترفیزیک پژوهشگران اروپایی.»*

آنچه خوانندید برگرفته از تارنمایی بود که گفته‌ها و نوشته‌های اخترفیزیک‌دان فقید ایرانی را بازنشر می‌کرد. اما درباره زندگی او نکات ریزی وجود دارد که دانستن آن برای خوانندگان فارسی‌زبان و از آن مهم‌تر برای نسل فردای اخترشناسان ایرانی نکته‌هایی باریک‌تر از ما دارد.

**حیدری‌ملایری در جهان اخترشناسی**

حیدری‌ملایری اخترفیزیک‌دانی بود که پیش از رویداد سال ۱۳۵۷ ایران را ترک کرد تا در یکی از بهترین دانشگاه‌های اروپایی به پژوهش‌های اخترشناسی بپردازد و چنین کرد. او البته پیش از آن هم در ایران کارهای ارزشمندی را به سرانجام رسانده بود. چندین کتاب ترجمه کرده بود که از میان آنها، سه کتاب ستاره‌ای به نام خورشید، نوشته جورج کاموف و تپها یک زمین و نورشناخت هنوز هم گاه‌گاهی در دست کتاب‌فروشی‌های دست‌دوم پیدا می‌شود. کمتر از دو ماه پیش برای مراسم عروسی یکی از دوستان به رستوران معروف وکیل‌التجار در جنوب تهران رفته بودم. آنجا کتابخانه‌ای کوچک هم ساخته‌اند. کتاب‌ها را که نگاه می‌کردم، در نهایت شگفتی کتاب ستاره‌ای به نام خورشید را در میان کتاب‌های آنجا دیدم! از مسئول آنجا پرسیدم چنین کتابی اینجا چه می‌کند؟ پاسخ داد که بخشی از

کتاب‌های بنیان‌گذار نسل دوم این رستوران معروف است. آن نسل در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی، بسیار کتاب‌خوان بودند و وجود چنین کتابی نشان از پرنگ‌بودن آن در میان خوانندگان آن دوره دارد. کم‌چرم‌تر کتابی که من می‌دانم سفر رسمی دانشی به ایران نداشت، اما با اخترشناسان ایرانی در تماس بود. یکی از اخترشناسانی که از او به نیکی یاد کرده است و هم‌اینگ او هم همچون حیدری‌ملایری به دانش‌گستری برای عموم مردم مشغول است، محسن شادمهری است. ملایری در جهان اخترشناسی چند کار مهم انجام داد که بالاتر هم گفته شد: اما نکته مهم زندگی او پروژه‌های بین‌المللی بود. او هم اخترشناسی پنت‌میزن‌نشین نبود، بلکه با گروه‌های پژوهشی کار می‌کرد. همین بس که هفت سال را در شیلی زندگی کرده است. دانشمندی که هفت سال را در جایی دور از خانه‌اش در پاریس بگذراند و بی‌زوهد، کم‌نظیر است. اما برای سا ایرانی‌ها حتی این بخش دانشی استاد ملایری نیست که مانا و ماندگار است. اگرچه کارهای پژوهشی او برای کل اخترشناسان جهان است و نامش در نپاهشگاه پاریس می‌درخشد. اما هدف من در این مقاله بیش‌ازپیش نشان‌دادن ریسمان محکم او با ایران است و میراث گران‌بهایی که برای ما به یادگار گذاشته است.

**اخترفیزیک‌دان پارسی‌گو**

زنده‌یاد حیدری‌ملایری زبان فارسی را چون جان دوست می‌داشت. دوست داشتن او نه‌فقط در ادبیات فارسی بود، بلکه از اندک افرادی بود که خطری بزرگ را حس کرد بود، خطر جاماندن زبان فارسی از روند جهانی دانش. بگذارد خیلی ساده بگویم، او بر این باور بود که زبان فارسی باید هم‌یای دیگر زبان‌های دنیا که واژگان جدید دانشی را تولید می‌کند و سپس هر زبانی برای خودش ترجمه می‌کند، این کار را انجام دهد. در همین ایران خودمان برخی بر این باورند که فارسی زبان شعر و ادبیات است و نیاز نیست واژگان دانشی برای فیزیک و ریاضی و شیمی ساخته شود. بارها هم نوشته‌ام و نوشته‌هایم که اینان در همان‌دیشی‌های علمی‌تا چه اندازه شاخه‌نم سخن می‌گویند و شوربخانه آن را نشانه باسوادی هم می‌دانند! برخی هم بر این باورند که زبان فارسی توان ساختن واژگان دانشی را ندارد. این دسته هم از شناخت توانایی‌های شگفت‌انگیز زبان فارسی غافل‌اند. یک بار استاد ملایری در درسگفتارهایش به نقل از زنده‌یاد محمود حسابی، نشان داد که زبان فارسی ده‌ها برابر زبان عربی توان واژه‌سازی دارد. بدون هیچ اغراقی در چند سال گذشته، هیچ‌کس به اندازه استاد ملایری در ساختن واژگان فارسی برای واژگان اخترشناسی و فیزیک کوشا و توانا نبوده است. نویسنده همین مقاله به‌تازگی با همکاری دوستی دیگر کتابی را با نام «درسنامه جامع مکاتیک» ترجمه و چاپ کرده‌اند که برای برخی واژگان تخصصی آن فقط و فقط حیدری‌ملایری واژه‌سازی کرده است بر اصول زبان‌شناسی فارسی و دانشی انجام داده بود. حیدری‌ملایری کار سترگی را انجام داده و آن فرهنگ ریشه‌شناختی انگلیسی-فارسی-فرانسوی است. این فرهنگ درحیگ و پرکاربرد درواقع فقط معنای واژگان را دربر ندارد، بلکه چراغی را برای فرهنگ و تمدن ایران روشن کرده است. او همواره تاکید داشت که دانش‌آموزان ایرانی باید با دانش نوین آشنا باشند و کتاب‌های درسی آنها باید به‌روزرسانی شود. از سویی

آنها باید زبان ملی-میهنی-مادری خود را به‌خوبی بیاموزند و به آن زبان در مدرسه فیزیک و شیمی بیاموزند. بنابراین چنین کتاب‌هایی نیازمند واژگان دانشی فارسی است. زبان فارسی چنان تواناست که اگر از سویی با آن می‌توان شعر و غزل سرود، از سوی دیگری می‌توان برای واژگان نو در جهان دانش واژه ساخت و البته او همواره تاکید می‌کرد زبان فارسی باید روی پای خود بایستد و خود را از زیر آوار دیگر زبان‌ها، همچون عربی و نیز واژگان نامانوس انگلیسی و فرانسوی بیرون بکشد. زبانی که امروزه و در این جهان شتابان نتواند واژگان دانشی بسازد، رو به نابودی خواهد گذاشت. اهمیت زبان فارسی فقط در این نیست که زبان رسمی کشورمان است، بلکه این زبان، ستون فقرات تمدن ایران است. حیدری‌ملایری همواره تاکید می‌کرد آنچه نگذاشت ایران بی‌پای یورش‌های بیگانگان، همچون عرب‌ها و مغول‌ها، ویران شود و فرهنگ خودش را از دست بدهد، زبان فارسی بود. امروز هم چنین است. فرزندان ایران باید در کنار آموختن زبان دانشی جهان امروز، انگلیسی، زبان فارسی را نیز هم برای تاریخ و ادبیات و هم برای دانش و فناوری بیاموزند و بتوانند از توانمندی‌های این زبان برای دانش‌گستری در ایران و بالندگی بهره جویند. اگر من بخوام خیلی کلیزده و کوتاه‌بگویم که آنچه استاد ملایری فقیذ گفته یعنی چه، چنین می‌گویم؛ بالندگی زبان دانشی فارسی و توانمندسازی آن یکی از ملزومات توسعه ایران است.

**اندیشمند نواندیش**

زنده‌یاد استاد حیدری‌ملایری، علاوه بر میراث زبانی که برای جوانان دانش‌دوست و دانش‌پژوه ایران به یادگار گذاشته است و برای آنها که گوهرشناس باشند، گنجی بزرگ است، یک میراث دیگر هم به یادگار گذاشته است. او اگر از سویی فرزند راستین فردوسی است و زبان فارسی را پاس می‌دارد، از سوی دیگر فرزند نیک‌سرشت ابوریحان و ابن‌سینا است، حتی اگر بگویم او فرزند راستین تمام اندیشمندان نواندیش جهان است، درست گفته‌ام. استاد ملایری، اخترشناس نواندیشی بود. به زبان ساده بسیار خردورز بود و تلاش می‌کرد به ساده‌ترین شکل و کوتاه‌ترین حالت، در درسگفتارهایش خردورزی و نگاه خردمندانه داشتن را به بینندگان و خوانندگان کیلومتر دانشمندی که چنین دغدغه مردمان سرزمین‌اش را از هزاران کیلومتر دورتر داشته باشد. من واژه نواندیش را به کار برده‌ام و به‌واقع ایشان نواندیش بودند؛ اما درواقع واژه‌ای که برزنده ایشان است نواندیش خردگراست. خردگرایی در کلام ایشان درخشان بود. او بسیار اندیشه انتقادی داشت و کوشش می‌کرد به بینندگان جوان درسگفتارهایش بیاموزد که نکاهی موشکافانه و خردگرا داشته باشند. در خردگرایی هم مصلحت‌اندیش نبود. وقتی به درسگفتارهای وی درباره ایران گوش کنید، خواهید دید که چگونه نگاه پر از مهرورزی و افتخار اما انتقادی و چالشی داشته‌اند. حیدری‌ملایری بسیار شفاف‌اندیش بود و پذیرای انتقاد. او حتی درباره زبان فارسی که به آن عشق می‌ورزد هم انتقادها سازنده‌اش را درخف نمی‌کرد. البته نیک‌ساخته درباره زبان فارسی دارد که در آن هم از توانمندی زبان فارسی می‌گوید و هم از محدودیت‌های آن و البته راهکارهایی هم ارائه می‌دهد. حیدری‌ملایری بیش از هر چیزی دوست داشت خردورزی را بیاموزاند و نشان دهد نگاه درست دانشی به پدیده‌ها چگونه می‌تواند باریگر جوانان باشد. در درسگفتارهایش همواره از اهمیت پدیده نوزایی در جهان می‌گفت و تأثیر آن بر جهان.

**میراث حیدری‌ملایری برای نسل فرادای ایران**

امروز و درحالی‌که در نوشتن این یادنامه بارها بعضی گلویم‌را افشرد و از اینکه دیگر صدای گرم و گیرای محمد حیدری‌ملایری را نخواهم شنید و هرگز بگیرد از نوشته‌های دریافت نخواهم کرد، می‌خواهم این نوید را بدمم که او برای نسل فردای ایران میراث خوبی برجای گذاشته است. در این مقاله اندیشمندی بین‌المللی بود. در بزرگ‌ترین نپاهشگاه‌ها یا آزمایشگاه‌های دنیا کار پژوهشی کرد و هم‌زمان برای دیگر ایشان در میان ما نیستند، اما او چنان به فرهنگ ایران دل بسته بود که یکی از پژوهش‌های درجه‌یک را درباره گاه‌شمار ایرانی انجام داد. مقاله ایشان به‌راحتی در دسترس است و ای‌کاش کوشش او درباره گاه‌شمار ایرانی و ظرفت‌هایش در کتاب‌های درسی فرزندان این مرزوبوم بیاید. او سه میراث مهم برجای گذاشته است. نخست اینکه نشان آن می‌توان دانشمندی بین‌المللی بود. در بزرگ‌ترین نپاهشگاه‌ها یا آزمایشگاه‌های دنیا کار پژوهشی کرد و هم‌زمان برای بالندگی ایران کوشید. خودمان را فریب ندهیم. ایرانیان نامدار در شاخه‌های گوناگون دانشی کم نیستند؛ اما چند درصد آنها از آنچه می‌دانند، نه‌به‌اندازه حیدری‌ملایری، یک‌دهم او، برای نسل جوان ایران نوشتار و درس‌نامه تولید کرده‌اند یا برای ایرانیان کتاب و مقاله به زبان فارسی نوشته‌اند. زنده‌یاد ملایری به‌درستی دریافت بود که زبان فارسی که ستون بلند فرهنگ ما است، باید خود را با دانش روز هم‌آوا کند و به همین خاطر در زمینه‌ای که توان و تخصص داشت، دست به کاری بزرگ زد. فرهنگ ریشه‌شناختی او در نوع خودش کاری ماندگار است و من امید بسیار دارم اخترشناسان نسل بعدی ایران، در کنار فیزیک و اخترشناسی، چنان آموزش ببینند و تربیت شوند که او راه او ادامه دهند. میراث دیگر او گسترانیدن اندیشه خردورزانه بود. درس‌خواندن در دانشگاه و دانش‌آموختگی الزاماً به خردورزی افراد منتهی نمی‌شود. او در تمام سال‌هایی که در نپاهشگاه پاریس بود، کوشش بسیار کرد تا جامعه ایران را با چگونه خردمندانه اندیشیدن آشنا کند. حالا اخترفیزیک‌دان نام‌بردار ایران، محمد حیدری‌ملایری در آرامگاه معروف پاریس، در خاک خفته است. اما شک ندارم که میراث او چراغ روشنی برای فرادهای ایران عزیزمان است. یاد و نامش جاودان باد و به امید روزی که جامعه دانشی ایران از او آرزویش را خردورز سازد قدرشناسی و ارج نهادن به فرزندان راستین میهن است. قدردانی کند و نامش را زنده نگه دارد. سخن پایانی‌ام این است که آرزو دارم در ایران چندین و چند مدرسه باشند که در سردر آنها نام او بدرخشد و از آن مدرسه‌ها فرزندان برومندی همچون ایشان برای ایران عزیزتر از جانمان تربیت شوند.

نهادی کشور به روز و تنظیم شود.

- رقابت سرلوحه سیاست‌گذاری قرار گیرد و این مفهوم در کلیه ارکان نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با نگاه به بیرون در اقتصاد ایران نضج کند.
- بودجه دولت به مثابه سیاست مالی دولت و حکامیت اصلاح فوری و در راستای توسعه فعالیت‌های پربازده و با شفافیت کامل تنظیم و تسلط آن بر سیاست پولی افت شدید کند.
- استراتژی توسعه اقتصادی کشور در جهت کسب و قرارگرفتن در زنجیره ارزش جهانی با استفاده هم‌زمان از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی قرار گیرد.
- مدیریت اقتصادی بنگاه‌های دولتی، بخش‌ها و کل اقتصاد براساس ملک کارآمدی اقتصادی تنظیم شود. فضای کسب‌وکار داخلی اقتصادی و سیاست خارجی کشور در راستای استفاده از فرصت‌های بین‌المللی تنظیم شود.
- جذابیت فضای کسب‌وکار برای جلوگیری از نیروی کار ماهر و متخصص تنظیم شود.